

بناام خدا

درس: تاریخ اسلام ۲ تاریخ برگزاری: سه شنبه ۹۹/۲/۲ ساعت ۹-۱۱

مدرس دهقان نژاد

سیاست های خارجی عبدالملک:

جبهه شرقی:

در این دوره نا آرامی ها، در نواحی شرقی و قیام های داخلی سبب رکود فتوحات نسبت به ادوار قبل شده بود. با روی کار آمدن حجاج بن یوسف استاندار عبدالملک در عراق و خراسان در سال ۷۸ هجری وی مُهَلَب بن ابی صُفْرَه را کارگزار خراسان کرد. مهلب و پسرانش در نواحی کش، ختل و ریخش جنگیدند و سیاست جهاد را ادامه دادند با این همه فتوحات جدی صورت نگرفت تا زمانی که قُتیبَه بن مسلم باهلی از سوی حجاج در سال ۸۶ هجری کارگزار نواحی شرقی شد.

جبهه روم

در دوران مشکلات داخلی عبدالملک، دولت روم فرصت پیدا کرد و ضمن لغو تعهدات دوجانبه به سرزمین شام حمله نمود. عبدالملک برای فائق آمدن بر مشکلات و قیامهای داخلی مجبور به بستن معاهده ای با ژوستینین دوم در سال ۷۰ هجری شد. وی تعهداتی پذیرفت مانند پرداخت سالانه ۳۶۵ هزار قطعه طلا، ۳۶۵ برده و ۳۶۵ اسب به دولت روم. با رفع مشکلات داخلی، عبدالملک جزیه پرداختی به روم را با سکه های جدید اسلامی به جای سکه های رومی پرداخت کرد که به نوعی رویا رویی با امپراطوری روم و از سرگیری فعالیت نظامی مسلمانان علیه روم تعبیر میشد. مسلمانان به آسیای صغیر حمله کردند و مناطق مختلفی را به تصرف درآوردند اما بیماری طاعون در سرزمین شام و قیام عبدالرحمن بن اشعث در سال ۸۱ هجری علیه عبدالملک باعث بازگشت سپاه مسلمین شد. اما پس از فراغت از کار عبدالرحمن، عبدالملک حملات به قلمرو روم را از سر گرفت و مسلمانان

بار دیگر بر ارمنستان مسلط شدند و مصیصیه به طور کامل فتح شد و برتری آشکار حکومت اسلامی بر روم بدست آمد.

جبهه شمال آفریقا:

این منطقه محور جدی سیاست فتوحات زمان عبدالملک بود هدف وی پاکسازی پایگاه های روم در ساحل شمالی و مطیع کردن بربرها بود به ویژه آنکه وی از اتحاد روم و بربرها نگران بود. عبدالملک برای این منظور زهیر بن قیس را به جبهه شمال آفریقا فرستاد. ماموریت وی سرکوب کسیله و گرفتن انتقام خون عقبه بود. زهیر کسیله را به قتل رساند و وارد قیروان شد اما در درگیری با رومی ها خود نیز به قتل رسید. در پی این حادثه، عبدالملک نیز که در پی از بین بردن رقیب خود ابن زبیر بود جبهه آفریقا را موقتاً رها کرد. پس از سرکوب عبدالله بن زبیر، عبدالملک در سال ۷۴ هجری فتوح را در شمال آفریقا از سر گرفت و حسان بن غسان نعمانی را برای این کار برگزید. نخستین اقدام حسان فتح قرطاجنه نیرومندترین پایگاه رومی ها بود. از جمله حوادث این دوره شورش قبایل بربر اوراسی به رهبری زنی یهودی ملقب به کاهنه بود که دژ رومی باغایه را اشغال کرد و مسلمانان را به مبارزه طلبید. در این جنگ که «روز بلا» نام گرفت، مسلمانان شکست سختی خوردند و حسان به برقه عقب نشست. از جمله اقدام های کاهنه در برابر مسلمانان، سیاست زمین سوخته یا همان از بین بردن محصولات کشاورزی توسط آتش بود. این سیاست سبب ناراحتی ساکنان رومی منطقه و بربرها شد از این رو به حسان پناه آوردند و حسان نیز که کمک های تازه نفس از دمشق دریافت کرده بود کاهنه را شکست داد و به قتل رساند. با قتل کاهنه آخرین مقاومت بربرها در مقابل سپاه اسلام در مغرب از بین رفت. رومی ها در این هنگام (۸۲ هجری) قرطاجنه را تصرف کردند که توسط حسان بیرون رانده شدند. وی برای اینکه رومی ها دگر بار طمع تصرف این شهر را نداشته باشند، قرطاجنه را کاملاً ویران کرد و در شرق آن شهر اسلامی تونس را بنا نهاد.

ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶ هجری)

در سال ۸۶ هجری عبدالملک در گذشت و فرزندش ولید به حکومت رسید. براساس گزارشات تاریخی ولید بن عبدالملک کلمات عربی را غلط میخواند و پدرش به همین دلیل او را شایسته خلافت بر اعراب نمیدانست. وی اهل عبادت و قرآن بود و نسبت به فقرا بخشنده بود. وی سیاست داخلی خود را بر نرمی با اهل حق و تندی با مشکوکان مبتنی کرد و در سیاست خارجی بر توسعه فتوح و عملیات های نظامی تاکید داشت. بهمین جهت دوران حکومت او دوره گسترش قلمرو اموی از شرق و غرب بود. وی در داخل دست به اصلاحاتی زد. از جمله ساخت راهها و گسترش مسجد نبوی در مدینه و مسجد اموی در دمشق. او برای این منظور مبالغ هنگفتی هزینه کرد و هنرمندان بیشماری را از سراسر قلمرو اسلامی فراخواند.

به لحاظ سیاست خارجی و توسعه فتوحات سه شخصیت در دوران ولید شهرت یافتند و تلاش آنها فتوحات را گسترش داد که عبارت بودند از: ۱- قُتیبَه بن مسلم ۲- محمد بن قاسم ثقفی ۳- موسی بن نُصَیر

جبهه شرق:

در این دوره دو منطقه مهم در شرق به تصرف مسلمانان درآمد که عبارت بودند از ماورالنهر در شمال شرقی ایران قدیم و دوم سرزمین سند.

الف (فتح ماورالنهر

قتیبه بن مسلم از سوی حجاج بن یوسف استاندار عراق به عنوان کارگزار اموی خراسان انتخاب شد. وی به اختلافات قبیله ای خراسان پایان داد و عملیات نظامی را در سال ۸۶ هجری آغاز کرد. از رود جیحون گذشت. تخارستان را فتح کرد و شورشیان را سرکوب نمود. وی در سالهای متوالی توانست بلخ، بیکند، کرمنیه، بخارا،

خوارزم، سمرقند و فرغانه را تصرف نمود. او به فتوحات ماورالنهر بسنده نکرد و تا سال ۹۶ هجری به مرزهای چین رسید. اما رسیدن خبر مرگ ولید بن عبدالملک مانع پیشرویش شد و با پرداخت جزیه توسط حکومت چین به مرو بازگشت. البته قدرتمندی امپراطوری چین، فاصله زیاد از مرکز خلافت و دشواری ارسال نیروی کمکی برای او و همچنین شورش های مکرر مردم ماورالنهر در گرفتن این تصمیم توسط قتیبه بی تاثیر نبود. فتوحات قتیبه باعث رواج اسلام در منطقه ماورالنهر شد. او تمام بت های شهر سمرقند را از بین برد. او همچنین برای بار چهارم بخارا را گشود و برای آنکه مردم آنجا دوباره از اسلام باز نگردند برای حضور در نماز جمعه جایزه تعیین کرد و اجازه داد مردم آنجا قرآن را به زبان فارسی بخوانند.

فتوحات سند

هنگامی که حجاج، قتیبه را مامور ماورالنهر کرد. همزمان پسرعمو و داماد بیست ساله خود محمد بن قاسم را مامور فتح سند (در شمال غربی هند و جنوب شرقی ایران) کرد. محمد در مکران مستقر و آن را پایگاه خود کرد. سپس شهر دُیُل (کراچی امروزی) را فتح کرد. سپس شهر بیرون (مهران) در کنار رود سند را با صلح تصرف کرد. وی مولتان در جنوب بلاد پنجاب را با جنگ گرفت و تا سال ۹۶ سراسر منطقه سند را به تصرف خویش درآورد. در این سال با مرگ ولید وی به مرکز خلافت خوانده شد و یزید بن ابی کبشه جایگزین وی شد.

جبهه شمال آفریقا

ثبات سیاسی و اقتصادی عصر عبدالملک سبب شد جانشین او ولید توجه ویژه ای به فتوحات خارجی به ویژه منطقه شمال آفریقا داشته باشد. دستاورد این سیاست توسعه طلبانه فتح کامل شمال آفریقا و پس از آن اسپانیا بود.

با انتخاب موسی بن نصیر در سال ۸۵ هجری به عنوان کارگزار مغرب او به کمک چهار فرزندش که آموزش نظامی دیده بودند آخرین مرحله فتح شمال آفریقا را آغاز کردند. یکی از شهرهای مهمی که موسی موفق به تصرف آن شد شهر سجومه بود چرا که این شهر علاوه بر آنکه پایگاه قبیله اوربه (قبیله کسילה) بود کلید ورود به شهرهای دیگر نظیر طنجه بود. از دیگر نتایج مهم پیروزی های موسی ، اسلام پذیری بربرها و ورود آنها به سپاه اسلام بود که باعث تقویت ارتش مسلمانان شد. بربرها شور و اشتیاق شدیدی برای جهاد داشتند و موسی این گرایش آنها را دریافت و از آنان در راه فتوحات جدید خارجی به ویژه فتح اسپانیا یا اندلس بهره گرفت. موسی همچنین در سال ۸۶ هجری به جزیره سیسیل حمله کرد و غنائم زیادی بدست آورد.

فتح اندلس:

سرزمین اسپانیا تا قرن ۵ میلادی در تسلط روم بود. در این قرن قبایل واندال به این سرزمین هجوم بردند و از این پس واندلوس یعنی دیار واندال نام گرفت و عرب ها آن را اندلس میخواندند. در سال ۵۰۷ میلادی ویزیگوت ها به این سرزمین حمله کرده و واندال ها را به آفریقا عقب راندند . ویزیگوت ها در اندلس دولتی تشکیل دادند و به زندگی اشرافی روی آوردند. در نتیجه با مردم منطقه با خفت و خواری برخورد و از آنها مالیات های سنگینی دریافت میکردند. یهودیان اندلس نیز از انواع ظلم و ستم و شکنجه از سوی حکومت و کلیسا رنج می بردند. از این رو پس از ناکامی در شورش های متعدد برای سرنگونی حکومت اندلس تصمیم گرفتند از مسلمانان شمال آفریقا یاری بخواهند. اما توطئه کشف شد و قوانینی برای اجبار یهودیان به پذیرفتن مسیحیت و بردگی آنان وضع شد.

از سویی دیگر پس از تصرف مغرب توسط مسلمانان، اندلس مورد توجه فرماندهان اسلامی قرار گرفته بود. چرا که به علت درگیری های داخلی ثبات سیاسی و حکومتی اندلس از بین رفته بود . همچنین از نظر جغرافیایی تنگه جبل الطارق سواحل دو طرف را به هم نزدیک کرده بود و راه برای ورود مسلمانان که در مغرب سکونت

داشتند باز بود. هنگامی که رودیک فرمانده سپاه گت در اندلس به عنوان پادشاه انتخاب شد. کنت ژولیان حاکم شهر سبته (آخرین شهری که در مغرب هنوز در دست نماینده ویزیگوت ها قرار داشت) که با رودیک دشمنی داشت از موسی بن نصیر کمک خواست و او را ترغیب به حمله به اندلس کرد. موسی بن نصیر نیز پس از مشورت با ولید بن عبدالملک ابتدا حمله محدودی برای ارزیابی توسط طریف بن مالک انجام داد و سپس سپاهی به فرماندهی طارق بن زیاد را در رمضان سال ۹۲ هجری به فتح اندلس فرستاد. طارق ابتدا جنوب اندلس را تصرف کرد و سپس به عمق سرزمین اندلس پیشروی کرد. موسی که دوست نداشت فتح اندلس به نام طارق تمام شود از او خواست که به پیشروی ادامه ندهد تا خود در منطقه حضور یابد. اما طارق سرپیچی کرد. در نتیجه وقتی موسی به اندلس وارد شد طارق را زندانی کرد اما به دستور ولید مجبور شد او را آزاد کند. این دو پس از آزادی طارق به سوی شمال اندلس رفته و مناطق مختلف نظیر ارغونه، قشتاله، کاتالونی را تصرف کرده و بدین ترتیب فتح شبه جزیره اسپانیا به جز نواحی کوهستانی شمال غربی که بزرگان گت بدان پناه برده بودند را به پایان رساندند.

نتایج فتح اندلس:

۱- تغییر وضعیت اجتماعی مردم اندلس: مسلمانان ژولیان را در حکومت سبته ابقاء کردند و اموال و دارایی کسانی را که به آنها کمک کرده بودند را بدان ها پس دادند. زمین ها در مقابل پرداخت خراج در اختیار کشاورزان قرار گرفت و تعداد آنها افزایش یافت. در نتیجه خوشرفتاری مسلمین با کشاورزان و بردگان بسیاری از آنها دین اسلام را پذیرفتند.

۲- یهودیانی که با مسلمانان همکاری کردند اجازه تجارت و آزادی مالکیت یافتند. جان و مالشان در امان بود و به کسب علوم مختلف عقلی نظیر فلسفه و پزشکی پرداختند.

۳- بسیاری از دارایی نجیب زادگان و کلیساهای اندلس مصادره شد.

۴- فتح اندلس به فشارهای اجتماعی دوران حکومت ویزیگوت ها پس دهه های متوالی پایان داد.